



A Critical Analysis of the Scientific Interpretations in Bangladesh *

Abdullah^۱, Hossein Alavi Mehr^۲ and Ahmad Moradkhani^۳

Abstract



The most prominent method of Quranic interpretation in Bangladesh is the scientific approach, which has long been the focus of scholars and interpreters in the region. This paper employs a descriptive-analytical method to critique and examine the shortcomings of this interpretive method in Bangladesh. The research findings indicate that despite the positive aspects and numerous advantages of scientific interpretations of the Quran in Bangladesh, there are also weaknesses and shortcomings. These shortcomings can be divided into two categories: foundational and methodological. The most significant foundational shortcomings of scientific interpretations in Bangladesh include: providing material justifications for extraordinary matters, conflicting with rational principles of discourse, relying on scientific assumptions, believing that all sciences are present in the Quran, neglecting religious and spiritual matters, and not adhering to the lexical rules of the Quran. Methodological shortcomings, on the other hand, encompass: ignoring the implications of verses, not collecting all verses related to a subject, deviating from the main goal of the Quran, imposing theories onto the Quran, using unreliable sources, and employing incorrect assumptions. Since these shortcomings have arisen due to neglecting the conditions and principles of proper Quranic interpretation, scientific interpretation must be conducted by qualified interpreters who adhere to the conditions and regulations of sound scholarly interpretation.

Keywords: Critical Analysis, Quran, Scientific Interpretation, Bangladesh, Weaknesses.

*. **Date of Receiving:** ۱۴ November ۲۰۲۲, **Date of Approving:** ۵ May ۲۰۲۳.

۱. Ph.D. Graduate of Al-Mustafa International University, Qom, Iran, from Bangladesh: (abdullah۵۱۲۱۴@yahoo.com).

۲. Professor and Member of the Academic Faculty at the Imam Khomeini Educational Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran, [Corresponding Author]: (halavimehr۵@gmail.com).

۳. Associate Professor in the Department of Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic Law at Qom Campus, Islamic Azad University, Qom, Iran: (ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir).



آسیب‌شناسی تفاسیر علمی بنگلادش*

عبدالله^۱ و حسین علوی‌مهر^۲ و احمد مرادخانی^۳



چکیده

مهمترین روش تفسیر قرآن در بنگلادش، روش تفسیر علمی است که از دیرباز مورد توجه علما و مفسران آن دیار بوده است. در این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی تلاش شده است آسیب‌های این روش تفسیری در بنگلادش مورد نقد و بررسی قرار بگیرد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تفاسیر علمی قرآن در بنگلادش با وجود نکات مثبت و امتیازات فراوان، دارای نکات ضعف و آسیب نیز هستند. این آسیب‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد که عبارتند از آسیب‌های مبنایی و آسیب‌های روشی. مهمترین آسیب‌های مبنایی تفاسیر علمی بنگلادش عبارتند از: توجیهات مادی برای امور خارق‌العاده، مخالفت با اصول عقلایی محاوره، استناد به فرضیات علمی، اعتقاد به وجود همه علوم در قرآن، غفلت از امور عبادی و معنوی و عدم رعایت قواعد لغت قرآن؛ اما آسیب‌های روشی عبارتند از: بی‌توجهی به دلالت آیه، عدم جمع‌آوری همه آیات مربوط به یک موضوع، دورشدن از هدف اصلی قرآن، تحمیل نظریات بر قرآن، استفاده از مطالب نامعتبر و استفاده از پیش‌فرض‌های نادرست. چون این آسیب‌ها به‌خاطر بی‌توجهی به شرایط و ضوابط تفسیر صحیح قرآن رخ داده است، لذا لازم است تفسیر علمی توسط مفسر دارای شرایط و با رعایت ضوابط تفسیر علمی صورت بگیرد.

کلیدواژگان: آسیب‌شناسی، قرآن، تفسیر علمی، بنگلادش، نکات ضعف.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵.

۱. دانش آموخته دکتری جامعة المصطفی ص العالمية، قم، ایران، (از کشور بنگلادش)؛ (abdullah0۱۲۱۴@yahoo.com).

۲. استاد و عضو هیات علمی مجتمع امام خمینی جامعه المصطفی ص العالمية، قم، ایران، «نویسنده مسئول»؛ (halavimehr@gmail.com).

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران؛ (ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir).



مقدمه

روش تفسیر علمی قرآن مجید یکی از روش‌های تفسیری است که مانند کشورهای دیگر در کشور بنگلادش نیز در سده اخیر از استقبال گسترده‌ای برخوردار شده است. با توجه به علاقه انسان‌ها به علوم تجربی، عده‌ای کوشیدند آیات قرآن را بر اساس اطلاعات علوم تجربی تبیین و تحلیل کنند تا مطالب جدیدی از آیات قرآن به دست بیایند و افق جدیدی در تفسیر قرآن باز شود. این روش تفسیری در دوره معاصر بیشترین مخاطب را جذب خود کرده است.

روش تفسیر علمی روشی است که از همان سده‌های نخستین اسلام شروع شد و تاکنون ادامه دارد و نظریات موافق و مخالف زیادی را برانگیخته است (رضایی اصفهانی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۷۵ ش: ۲۷۴). وقتی در بنگلادش مولانا اکرم خان برای نخستین بار دست به تفسیر علمی زد، عده‌ای بر علیه او موضع گرفتند، البته این موضع‌گیری‌ها باعث نشد مفسران از تفسیر علمی روی برگردانند؛ بلکه روزه‌روز گرایش به تفسیر علمی بیشتر شد.

روش تفسیر علمی در بنگلادش در کنار امتیازات فراوان از آسیب‌های بسیار جدی مواجه است که لازم است این آسیب‌ها به طور مشخص شناسایی شود تا تفسیر علمی به جایگاه اصلی خود برگردد. لذا نوشتار حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که تفسیر علمی در بنگلادش از چه آسیب‌هایی برخوردار است.

پیشینه

با وجود اشارات ضمنی قرآن به پدیده‌های علوم مختلف به ویژه علوم تجربی، پیشینه تفسیر علمی قرآن به عصر نزول می‌رسد. برخی از احادیث نبوی و ائمه علیهم‌السلام نیز در بردارنده نکات علمی است.

شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا (م ۴۲۸ ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، غزالی، فخرالدین رازی (م ۶۰۶ ق)، ابوالفضل مرسی (م ۶۵۵ ق)، عبدالله بن عمر شیرازی مشهور به «بیضاوی» (م ۶۹۱ ق)، حسن بن محمد نیشابوری قمی (م ۷۲۸ ق) بدرالدین زرکشی (م ۷۹۴ ق) و جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) از کسانی هستند که در آثارشان مطالب مربوط به تفسیر علمی قابل مشاهده است (ر.ک: رضایی اصفهانی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۷۵: ۲۹۳؛ رفیعی‌محمدی، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، ۱۳۸۶: ۱۳۱).

در زمان معاصر بسیاری از پژوهشگران به طور ویژه تفسیر علمی قرآن را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند که برخی از برجسته‌ترین آثار عبارتند از: کتاب «جریان‌شناسی تفسیر علمی» اثر شادی نفیسی،

کتاب «در آمدی بر تفسیر علمی قرآن» و کتاب «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» اثر محمدعلی رضایی اصفهانی؛ کتاب «سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن» اثر ناصر رفیعی محمدی؛ کتاب «در آمدی بر تاریخ تحلیل تفسیر علمی» اثر علی کریم پورفراملکی؛ کتاب «روش‌شناسی تفسیر علمی قرآن، مبانی و اصول» اثر گروهی از نویسندگان؛ اما با توجه به قلمروی مکانی تحقیق که بنگلادش است، باید گفت تا جایی که نگارنده تتبع داشته هیچ اثر مربوط به تفسیر علمی در بنگلادش تاکنون نوشته نشده است.

مفهوم‌شناسی

تفسیر

واژه تفسیر از ماده «فسر» مصدر باب تفعیل است. در قرآن مجید فقط یک بار این واژه به کار رفته است (فرقان/۳۳). راغب اصفهانی (متوفی ۵۰۲ ق) در کتاب المفردات درباره معنی «تفسیر» می‌گوید: «الفسر اظهار المعنى المعقول، و التفسير فى المبالغة كالفسر» ماده فسر آشکار کردن معنای معقول از یک کلام یا کلمه است، و با کلمه تفسیر، همان معنای فسر را به شکل مبالغه نشان می‌دهیم (راغب، مفردات، ۱۳۳۲ ش: ۶۳۶). در کتاب قاموس القرآن درباره معنای تفسیر آمده است: فسر: ایضاح و تبیین (فسر الشیء بینة و اوضحة) ماده فسر روشن نمودن و بیان کردن است و تفسیر نیز، به همان معناست، البته با مبالغه (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱ ش: ۵/ ۱۷۵). در تاج العروس آمده است که: «الفسر، الابانة وكشف المغطى... والفسر، نظر الطبيب الى الماء. كالتفسر او هي البول يستدل به على المرض. التفسر والتأويل واحد». کلمه فسر همان شکافتن و پرده‌برداری است. و نیز به معنای نظر پزشک است که به بول بیمار می‌کند و از آن به بیماری او پی می‌برد (یعنی این نگاه نوعی کاشفیت دارد) و تفسیر و تأویل به یک معنا است (زبیدی واسطی، تاج العروس، ۱۴۱۴ ق: ۷/ ۳۴۹).

مفسران و قرآن‌پژوهان، در تعریف اصطلاحی «تفسیر» نظرات مختلف ارائه کرده‌اند؛ از جمله: علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید: تفسیر عبارت است از بیان کردن معنای آیات قرآن، روشن کردن و پرده‌برداری از مقاصد و مدلول آن آیات (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۴/ ۱). علامه طبرسی (ر تعریف تفسیر می‌فرماید: تفسیر کشف مقصود از الفاظ مشکل است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ ش ج ۱/ ۱۳)؛ زرکشی درباره تعریف تفسیر می‌گوید: تفسیر، علمی است که شامل علم اسباب نزول، قصه‌ها، اشارات، مکی و مدنی، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مفسر است (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰ ق: ۲/ ۲۸۴).



باتوجه به نواقص موجود در تعاریف ذکرشده می‌توان تفسیر را این‌گونه تعریف کرد، «روشن کردن مراد خدای متعال از کلمات و جملات قرآنی بر اساس قرائن عقلی و نقلی.» چون هنگام تفسیر گاهی از آیات و روایات استفاده می‌شود که جزء قرائن نقلی به حساب می‌آید و گاهی از قواعد ادبی، محاورات عقلایی و علوم تجربی قطعی استفاده می‌شود که جزء قرائن عقلی به حساب می‌آید.

تفسیر علمی

علم در لغت به معنای نقیض جهل (فراهِیدی، کتاب العین، ۱۴۱۰ ق: ۲ / ۱۵۲)، ادراک حقیقت شیئی (راغب، المفردات، ۱۳۳۲ ش: ۵۸۰) و یقین (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵ ش: ۶ / ۱۱۹) یاد شده است. و در اصطلاح، مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد و این همان اصطلاحی است که پوزیتیویست‌ها، به کار می‌برند و بر اساس آن، علوم و معارف غیر تجربی را علم نمی‌شمارند (رضایی‌اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۷ ش: ۲ / ۱۸۲)؛ اما در رابطه با تفسیر علمی دانشمندان تعاریف مختلفی مطرح کردند که عبارتند از:

خالد عبدالرحمن العک تفسیر علمی را جزء تفسیر اشاری می‌داند. از نظر وی، تفسیر علمی یعنی توضیح اشارات قرآنی نسبت به عظمت آفرینش آلهی و تدبیر و تقدیر بزرگ او است (العک، اصول التفسیر و قواعد، بی‌تا: ۲۱۷).

محمدحسین ذهبی در تعریف تفسیر علمی می‌گوید: نرید بالتفسیر العلمی التفسیر الذی یحکم الاصطلاحات العلمیة فی عبارات القرآن. و یجتهد فی استخراج مختلف العلوم والآراء الفلسفیة منها (ذهبی، التفسیر و المفسرون: ۲ / ۴۷۴). مراد ما از تفسیر علمی تفسیری است که مفسر در آن، اصطلاحات علمی را بر عبارت‌های قرآن، حاکم می‌کند و تلاش دارد تا علوم مختلف و نظریات فلسفی را از قرآن استخراج سازد.

دکتر رضایی در تعریف تفسیر علمی می‌فرماید، مراد از علم در تفسیر علمی، علوم تجربی است، یعنی علمی که با شیوه امتحان و تجربه (آزمایش و خطا) درستی و یا نادرستی نظریه‌ها و قوانین حاکم بر طبیعت را بررسی می‌کند. پس منظور از تفسیر علمی همان توضیح دادن آیات قرآن، به وسیله علوم تجربی است (رضایی‌اصفهانی، اعجازها و شگفتی‌های علمی قرآن، ۱۳۸۷ ش: ۱۷). وی در جای دیگر درباره تفسیر علمی می‌فرماید: «مراد از تفسیر علمی، استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است؛ یعنی منبع علوم تجربی قطعی، به‌عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن درآید و در این راستا تمام معیارها و ضوابط تفسیر صحیح رعایت شود و هیچ تحمیل یا استخراجی صورت نپذیرد (رضایی‌اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۷ ش: ۲ / ۱۸۹).

از تعاریف مذکور، تعریف دکتر رضایی اصفهانی دقیقتر به نظر می‌رسد. چون در این تعریف به استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن و علوم تجربی قطعی توجه ویژه‌ای شده است. لذا گونه‌های دیگر مانند استخراج همه علوم از قرآن یا تحمیل مطالب علمی بر قرآن، روش نادرست تفسیر علمی محسوب می‌شود.

آسیب‌های تفاسیر علمی بنگلادش

تفاسیر علمی بنگلادش با وجود امتیازات و نکات قوت با آسیب‌های جدی روبه‌رو است. این آسیب‌ها به خاطر رعایت نکردن شرایط صحت تفسیر علمی رخ داده است. این آسیب‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد که عبارتند از: آسیب‌های مبنایی و آسیب‌های روشی. آسیب‌های مبنایی بر آن دسته از آسیب‌ها اطلاق می‌گردد که به خاطر اشتباه مفسر در مبنای تفسیری رخ می‌دهد؛ اما آسیب‌های روشی بر آن دسته از آسیب‌ها اطلاق می‌گردد که به خاطر اتخاذ روش تفسیری غلط توسط مفسر رخ می‌دهد. در این نوشتار مهمترین آسیب‌های مبنایی و روشی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

الف. آسیب‌های مبنایی

مفسران علمی بنگلادش همچون مفسران دیگر کمتر به مبنای تفسیر خود اشاره کردند، لذا برای دستیابی به مبنای تفسیر آنها لازم است به تفسیرشان رجوع کنیم و با توجه عملکردشان در تفسیر مبنای آنها را استخراج کنیم. توجیهات مادی برای امور خارق‌العاده، مخالفت با اصول عقلایی محاوره، استناد به فرضیات علمی، اعتقاد به وجود همه علوم در قرآن از جمله این آسیب‌هاست.

۱. توجیهات مادی برای امور خارق‌العاده

در قرآن مجید، بسیاری از امور خارق‌العاده و معنوی بیان شده که با علوم متعارف بشری هیچ راهی برای رسیدن به آنها وجود ندارد، لذا مفسر باید در مقابل این امور خارق‌العاده سر تسلیم فرود بیاورد. مثلاً در آیات متعدد خیلی از معجزات پیامبران از جمله معجزات حضرت موسی (علیه السلام) نقل شده است. این معجزات غیر از پیامبر هیچ‌کس نمی‌تواند انجام بدهد، حتی پیامبران هم با اذن الهی آن را انجام می‌دهند؛ اما الان برخی از مفسران بنگلادشی مانند مولانا اکرم خان این معجزات را با امور مادی به گونه‌ای توجیه می‌کنند که گویا اینها کار معمولی بوده است (بهجت پور و قمرزاده، مجله قرآن و علم، ۹۵/۲۰). وی به گمان اینکه این معجزات مخالف قانون علیت است برای همه آنها توجیهات مادی آورده است، درحالی‌که این معجزات تضادی با قانون علیت ندارد؛ اما انسان معمولی از علت آنها ناآگاه است. اکنون چند نمونه از این موارد ذکر می‌گردد:



یک. پدر داشتن حضرت عیسی علیه السلام

مفسر محترم مولانا اکرم خان در ذیل آیه ۸۷ سوره بقره می‌فرماید: در قرآن مجید حضرت عیسی علیه السلام به‌عنوان فرزند حضرت مریم علیها السلام ذکر شده است. و در هیچ کجا از پدر آن حضرت یاد نشده است. و از این طریق مفسران می‌گویند که حضرت عیسی علیه السلام بدون پدر به دنیا آمده است، درحالی‌که این مطلب کاملاً اشتباه است. چون خدای متعال به‌خاطر عوامل فلسفی و تاریخی از ذکر نام پدر آن حضرت خودداری کرده است (محمد اکرم خان، تفسیر قرآن مجید، ۱۹۷۵: ۱/ ۱۳۴).

مفسر محترم غافل شده از این مسئله که نه‌تنها حضرت عیسی علیه السلام بلکه حضرت آدم (علیه السلام) نیز بدون پدر و مادر آفریده شده. خدای متعال در قرآن مجید به این مسئله اشاره کرده می‌فرماید: إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ در واقع مثال عیسی نزد خدا، همچون مثال آدم است [که] او را از خاک آفرید، سپس به او گفت: «باش!» [پس [فوراً موجود] شد.]] (آل عمران/ ۵۹) علاوه بر این، تولد حضرت عیسی علیه السلام بدون پدر از معجزات الهی بود.

دو. انکار رجعت در دنیا

مولانا اکرم خان در باب رجعت معتقد است که در این دنیا رجعت امکان‌پذیر نیست. لذا آیاتی که بیانگر رجعت در این دنیا است توجیه می‌کند. مثلاً درباره آیه ۲۵۹ سوره بقره می‌فرماید: مفسران در تفسیر این آیه داستان‌هایی ذکر کردند که همه آنها بی‌اساس است. از نظر او این آیه مربوط به قومی است که خدای متعال صد سال آن قوم را از حیات معنوی و سیاسی محروم کرده بود. سپس توسط پیامبران، آن قوم به حیات معنوی و سیاسی خود بازگشت و به‌عنوان یک قوم بیدار در دنیا سربلند کرد (محمد اکرم خان، تفسیر قرآن مجید، ۱۹۷۵: ۱/ ۳۲۷). درحالی‌که مرگ حضرت عزیر و رجعت او باتوجه به سیاق آیات، خود یکی از دلایل قدرت خدای متعال بر معاد است. و در تفاسیر فریقین ازجمله در تفسیر نمونه واقعه مرگ حضرت عزیر و رجعت او به به‌طور مفصل بیان شده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۲/ ۲۹۵).

سه. تأویل معجزات حضرت عیسی علیه السلام

از آیه ۴۹ سوره آل عمران استفاده می‌شود که حضرت عیسی علیه السلام چهار تا معجزه داشت که عبارتند از:

۱. از گِل، همانند شکل پرنده می‌ساخت و در آن می‌دمید سپس به رخصت خدا، پرنده می‌شد؛
۲. نابینای مادرزاد، و مبتلایان به بیماری پستی را به اذن الهی بهبود می‌بخشید؛
۳. مردگان را به اذن خدا زنده می‌کرد؛
۴. آنچه مردم می‌خوردند، و آنچه در خانه‌هایشان ذخیره می‌کردند، به آنها خبر می‌داد.

اما مولانا اکرم خان هیچ‌کدام از این معجزات را قبول ندارد. وی می‌گوید، چون این کارها کار خداست، لذا ما باید از ظاهر آیه دست برداریم و تأویل بکنیم. تأویل وی نیز از چهار مورد بالا عبارتند از:

۱. انجام اصلاحات در قوم خویش و تبدیل آن به یک قوم متمدن و پیشرفته تا به اذن الهی در آسمان معنویت پرواز کند.

۲. هدایت کردن گمراهان و شفادادن به کسانی که گرفتار بیماری‌های معنوی هستند.

۳. زندن کردن افرادی که گرفتار مرگ معنویت شدند.

۴. خبردادن از چیزهایی که مردم در دنیا از آنها استفاده می‌کنند یا برای آخرت ذخیره می‌کنند (محمد اکرم خان، تفسیر قرآن مجید، ۱۹۷۵: ۱/ ۴۲۸-۴۳۲).

این گونه تأویلات ضمن اینکه خلاف صریح قرآن کریم است، خلاف دیدگاه مفسران اسلامی نیز است (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵ ق: ۲/ ۱۶۲؛ فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰ ق: ۸/ ۲۲۷؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۱۴۰۴ ق: ۲/ ۳۲؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۳/ ۱۹۹).

چهار. نتیجه جزر و مد بودن عبور بنی اسرائیل از دریا

مولانا اکرم خان در تفسیر آیه «وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (بقره/ ۵۰) می‌فرماید، مفسران باتوجه به این آیه و آیات شبیه به این، داستان عبور بنی اسرائیل از دریا را به طور مفصل بیان می‌کنند، درحالی که این داستان در هیچ‌کدام از روایات صریحاً بیان نشده است. لذا منبع این نوع داستان جز کتب یهود چیز دیگر نمی‌تواند باشد. چون آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که بنی اسرائیل در روز عاشورا از چنگ دشمنان نجات یافتند، بیش از این چیز دیگر در روایات وجود ندارد (محمد اکرم خان، تفسیر قرآن مجید، ۱۹۷۵: ۱/ ۷۹-۸۱).

وی در توضیح کلمه «البحر» می‌فرماید، معنی بحر جایی است که آب زیاد دارد، رودخانه و دریا است. لذا استعمال آن فقط برای دریا در ادبیات عرب اصلاً منطقی نیست. وی در این آیه کلمه «بحر» را به معنای جایی که آب زیاد دارد، گرفته است، و در تأیید این معنا می‌گوید که از نظر باستان‌شناسان، بنی اسرائیل قبل از هجرت در منطقه «گوشن» که در شمال شرقی مصر قرار دارد، زندگی می‌کردند. آنها می‌خواستند از این منطقه هجرت کرده به فلسطین و اورشلیم (مأنده/ ۲۱) که محل سکونت بستگان‌شان بود، بروند. لذا آنها پس از خروج از شهر خود اول به کوه سینا رسیدند. برای رسیدن به این منطقه یک راه مستقیم از «گوشن» تا کوه سینا که طولش تقریباً ۹۰ کیلومتر است وجود داشته، و در این مسیر هیچ دریایی نبود غیر از یک دریاچه. این دریاچه هم جزر و مد داشته. هنگامیکه بنی اسرائیل همراه با



حضرت موسی علیه السلام نزدیک این دریاچه رسیدند، به خاطر جزر کنار این دریاچه خشک شده بود، آن وقت، آنها از کنار آن دریاچه عبور کرده به کوه سینا رسیدند. سپس هنگامی که فرعون و لشکریانش آنجا رسیدند و راه آنها را دنبال کردند، ناگهان مد دریاچه شروع شد و به تدریج آب بالا آمد، و در نتیجه همه زیر آب غرق شدند (محمد اکرم خان، تفسیر قرآن مجید، ۱۹۷۵: ۱/ ۷۹-۸۷).

این نوع برداشت از آیات قرآن خلاف صریح آیات قرآن (اعراف/۳۸؛ یونس/۹۰؛ طه/۷۷؛ شعراء/۶۳؛ دخان/۲۴) و مخالف دیدگاه‌های مفسران شیعه و اهل سنت است. چون از آیات قرآن به دست می‌آید که عبور بنی اسرائیل از دریا و غرق شدن فرعونیان نتیجه جزر و مد نبود، بلکه این از معجزات الهی بود. چون حضرت موسی علیه السلام به دستور خدای متعال عصای خود را بر دریا زد و در نتیجه راه خشکی میان دریا ایجاد شد و پس از عبور بنی اسرائیل دریا دوباره به حالت قبلی برگشت و در نتیجه فرعونیان غرق شدند. بنابراین، این حادثه یک حادثه طبیعی نبود؛ بلکه از کارهای خارق العاده بود.

پنج. تأویل کشته شدن بنی اسرائیل به تزکیه نفس

مولانا اکرم خان در تفسیر آیه ۵۴ سوره بقره می‌نویسد، اینکه مفسران می‌گویند پس از گوساله‌پرستی به بنی اسرائیل دستور داده شد که یکدیگر را بکشند، و آنها نیز در یک روز ۷۰ هزار نفر را کشتند، این مطلب هیچ دلیلی ندارد. چون اولاً: مراد از قتل نفس در این آیه کنترل نفس و تزکیه نفس است، ثانیاً: در آخر آیه دو صفت خدای متعال «بسیار توبه پذیر» و «بسیار مهربان» آمده و این دو صفت با کشته شدن ۷۰ هزار نفر هیچ سازگاری ندارد، و ثالثاً: ما مجبور نیستیم توضیح مفسران را بپذیریم. لذا مراد از «قتل نفس» همان کنترل و تزکیه نفس خواهد بود (محمد اکرم خان، تفسیر قرآن مجید، ۱۹۷۵: ۱/ ۸۸-۹۰).

این دیدگاه نیز مخالف دلالت آیه و دیدگاه مفسران است. علاوه بر این، همان گونه که خود محمد اکرم خان گفته است ما مجبور نیستیم توضیح مفسران را بپذیریم، توضیحات وی نیز لازم نیست کسی بپذیرد.

۲. مخالفت با اصول عقلایی محاوره

بسیاری از تفسیرهای علمی با اصول عقلایی محاوره در تضاد است. همان طور که میرزا طاهر در داستان حضرت سلیمان علیه السلام «نمل» را به جای مورچه به معنای «قوم نمل» گرفتند و مراد از «هدهد» به جای پرنده، یک انسان به نام هدهد گرفتند که سفیر حضرت سلیمان بود (میرزا طاهر احمد، تفسیر قرآن، ۱۹۹۲: ۱/ ۷۸۶-۷۸۷). او درباره حرکت کوه‌ها می‌گوید، آئینی که مانند کوه در ایام جاهلیت در بین مردم رسوخ کرده بود، با آمدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مانند ابر سریع از بین رفت (میرزا طاهر احمد، تفسیر

قرآن، ۱۹۹۲: ۷۹۹/۱). او در مورد «زوجیت» می‌گوید که در همه چیزها زوجیت وجود دارد حتی در جمادات. از نظر او عقل انسان نیز همراه با وحی زوجیت پیدا می‌کند و به کمال می‌رسد. لذا بدون وحی، عقل انسان به ضلالت کشیده می‌شود (میرزا طاهر احمد، تفسیر قرآن، ۱۹۹۲: ۹۱۴/۱). این نوع برداشت‌ها خلاف اصول عقلایی محاوره، آیات قرآن و دیدگاه‌های مفسران است. میرزا طاهر احمد در این نوع مباحث علمی از نظرات سر سید احمد خان هندی تأثیر پذیرفته، همان طور که محمد اکرم خان نیز با تقلید از سید احمد خان شبیه همین نظرات در تفسیر خود مطرح کرده و صدای مخالفان را در آورده. لذا این نوع برداشت‌ها به هیچ وجه قابل تأیید نیست؛ بلکه اینها مصداق بارز تفسیر به رأی است. چون این برداشت‌ها هیچ پشتوانه عقلی یا نقلی ندارد.

۳. استناد به فرضیات علمی

یکی از ضوابط تفسیر علمی این است که از حقایق قطعی علمی استفاده شود. چون در صورت استفاده از فرضیات علمی هنگام بطلان آن فرضیه علمی اصل اعتقاد به قرآن متزلزل می‌شود؛ اما متأسفانه گاهی مفسران در تفسیر علمی به فرضیات علمی استناد کردند که روش درستی به حساب نمی‌آید. همان‌طور که عثمان غنی باتوجه به آیه ۳۳ سوره انبیاء می‌گوید که از حرکت شب و روز و خورشید و ماه فهمیده می‌شود که زمین نیز دارد حرکت می‌کند (عثمان غنی، قرآن کلام الله و علوم معاصر، ۲۰۰۸/۱۶)، درحالی‌که این برداشت صرفاً در حد یک احتمال است. چون ممکن است منظور از حرکت خورشید، حرکت انتقالی آن همراه با منظومه شمسی و یا حرکت دورانی آن به دور خودش باشد (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ش: ۱۳/۳۹۹). البته وی برای اثبات حرکت زمین به سه آیه دیگر نیز استناد کرده که عبارتند از: سوره نمل آیه ۸۸، سوره فاطر آیه ۴۱ و سوره یس آیات ۳۷-۴۰. از مجموع این آیات مخصوصاً آیه ۸۸ سوره نمل حرکت زمین اثبات می‌شود؛ چون این کوه‌ها که ما آنها را ساکن می‌پنداریم با سرعت زیاد در حرکتند، مسلماً حرکت کوه‌ها بدون حرکت زمین‌های دیگر که به آنها متصل است، معنا ندارد، و به این ترتیب معنای آیه چنین می‌شود که زمین با سرعت حرکت می‌کند همچون حرکت ابرها! (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ش: ۱۵/۵۶۹).

۴. اعتقاد به وجود همه علوم در قرآن

خدای متعال قرآن مجید را برای هدایت بشر نازل کرده است، لذا آنچه برای هدایت بشر لازم بود در آن بیان نموده و تبیین آن را بر پیامبر اکرم ﷺ سپرده است؛ اما برخی از مفسران علمی معتقد هستند که همه علوم در قرآن وجود دارد. یکی از آنها عثمان غنی است که نسبت به قرآن نگاه افراط‌آمیزی دارد؛



چون وی همانند غزالی معتقد است که تمام علوم در قرآن وجود دارد. وی برای اثبات ادعای خود به آیه ﴿مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (انعام/۳۸) استناد کرده است. درحالی که ممکن است منظور از کتاب، قرآن بوده باشد که همه چیز (یعنی تمام اموری که مربوط به تربیت و هدایت و تکامل انسان است) در آن وجود دارد، منتها گاهی به صورت کلی بیان شده، مانند دعوت به هر گونه علم و دانش، و گاهی به جزئیات هم پرداخته شده است؛ مانند بسیاری از احکام اسلامی و مسائل اخلاقی. احتمال دیگر اینکه منظور از «کتاب» عالم هستی است؛ زیرا عالم آفرینش مانند کتاب بزرگی است که همه چیز در آن آمده است و چیزی در آن فروگذار نشده. هیچ مانعی ندارد که هر دو تفسیر با هم در آیه منظور باشد؛ زیرا نه در قرآن چیزی از مسائل تربیتی فروگذار شده، و نه در عالم آفرینش نقصان و کم و کسری وجود دارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۵/۲۲۳).

۵. غفلت از امور معنوی و عبادی

یکی دیگر از آسیب‌های جدی در تفسیر علمی، غافل ماندن از امور معنوی در مسایل عبادی است. بسیاری از مسایل عبادی از جمله وضو، نماز، روزه، حج، زکات و... که در قرآن آمده است، فواید مادی نیز دارد؛ اما این فواید مادی نباید باعث غفلت از معنویت و عبودیت این مسایل باشد، درحالی که هنگام تفسیر علمی، مفسران در رابطه با مسایل عبادی آنچنان غرق مطالب علمی شدند که گویا حکمت و فلسفه اصلی آن عبادات همان فواید مادی است. همانطور که محمد ابوطالب بسیاری از فواید علمی برای برخی از احکام بیان کرده است. مثلاً در باب روزه به فواید جسمانی روزه اشاره کرده است (محمد ابوطالب، علوم از قرآن، ۹۴/۲۰۱۱)، در باب وضو به فواید شستن اعضای وضو اشاره کرده (همان: ۱۳۷)، در باب شراب و قمار به مضرات آنها اشاره کرده (همان: ۱۰۶). وی در کتاب خود مطالب علمی را برای توضیح پدیده‌های طبیعی و احکام شرعی که در آیات متعدد آمده مطرح کرده است. او برای هر موضوع فقط یک آیه آورده و به آیات دیگر مربوط به آن موضوع هیچ اشاره‌ای نکرده، سپس مطالب علمی را برای توضیح آن آیه آورده، درحالی که آن مطالب علمی مستقیماً با آیه هیچ ربطی ندارد. مثلاً آیه‌ای که در آن خدای متعال دستور به روزه گرفتن می‌دهد در توضیح آن به فواید جسمانی روزه از نظر پزشکی می‌پردازد یا در توضیح آیه وضو به فواید جسمانی وضو می‌پردازد.

فواید مادی عبادات در جای خودش درست است؛ اما توجه بیش از حد به فواید مادی مسایل عبادی باعث می‌شود که خواننده از امور معنوی و اخلاقی دور بماند. لذا مفسر باید توجه داشته باشد که هنگام تفسیر علمی بیان فواید جسمانی و مسایل بهداشتی نباید باعث غفلت از امور معنوی و عبادی شود.

۶. رعایت نکردن قواعد لغت قرآن

پس از گردآوری همه آیات یک موضوع بر مفسر علمی لازم است که به دلالت آیه توجه بکند. تفسیر او در چارچوب قواعد لغت باید انجام بگیرد (عبدالحمید، دراسات فی اصول تفسیر القرآن، ۱۴۰۴ ق/ ۱۵۱)، برای برداشت علمی از آیات خود را به تکلف و ندارد (القرضاوی، کیف نتعامل مع القرآن العظيم، ۱۴۲۱ ق: ۳۸۲) و مطالب علمی را بر مضمون آیه تحمیل نکند؛ چون مطالب علمی باید از صریح نص یا اشارات روشن و قوی استنباط شود (عبدالحمید، دراسات فی اصول تفسیر القرآن، ۱۴۰۴ ق: ۱۵۴). به اشتباه افتادن در فهم معنای آیه، امری ممکن است که روی دادن آن در هر تفسیر و برای هر مفسر امکان دارد؛ اما این امر در حوزه تفسیر علمی که بسیاری از آنان که بدان پرداخته‌اند، دارای تخصص کافی و حوزه دین و دانش‌های لازم برای تفسیر نبوده‌اند، بیشتر روی داده است. دلالت نداشتن لفظ بر معنا، می‌تواند به دلایل مختلفی روی دهد: می‌تواند نتیجه اشتباه در معنای واژگان باشد، می‌تواند اشتباه در تحلیل نحوی آیه باشد، یا ممکن است آیه در مجموع چنین دلالتی نداشته باشد، یا مصداق معین شده برای آن با ظاهر آیه تطبیق نکند (نفیسی، جریان‌شناسی تفسیر علمی، ۱۳۹۷ ش: ۱۹۴).

اکثر کسانی که در بنگلادش وارد تفسیر علمی قرآن شدند، شرایط کافی برای تفسیر قرآن ندارند، لذا هنگام تفسیر علمی گرفتار چنین اشتباهی شدند. یکی از مفسران تفسیر علمی بنگلادش باتوجه به آیه ۱۰ سوره صافات می‌فرماید، مراد از «شهاب ثاقب» موشک کروژ است. لذا دانشمندان باتوجه به این آیه، انواع موشک‌ها را اختراع کردند (عبدالحق و همکاران، خلقت و اختراعات از دیدگاه قرآن و حدیث، ۲۰۰۵: ۳۳۱)، درحالی‌که این معنا با معنای واژه مورد نظر سازگاری ندارد.

ب. آسیب‌های روشی

در این قسمت به آسیب‌هایی اشاره می‌شود که مفسران علمی بنگلادش در روش تفسیر خود بدان گرفتار شده‌اند. بی‌توجهی به دلالت آیه، عدم جمع‌آوری همه آیات مربوط به یک موضوع، دورشدن از هدف اصلی قرآن، تحمیل نظریات بر قرآن و... از جمله این آسیب‌هاست.

۱. بی‌توجهی به دلالت آیه

یکی از آسیب‌های روشی تفسیر علمی این است که گاهی مفسر به دلالت آیه هیچ توجهی نمی‌کند. همچنانکه قاضی جهان میا کتابی به نام «تحدی قرآن درباره آسمان» به رشته تحریر در آورد که در جاهای مختلف هنگام ترجمه آیه به دلالت آیه هیچ توجهی نکرده؛ بلکه به صورت دلخواه و



باتوجه به مراد خود ترجمه کرده است؛ ترجمه‌ای که آیه اصلاً بر آن دلالت ندارد. به عنوان مثال، در ترجمه آیه ﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ می‌گوید، «آگاه باشید! بالای همه چیز ۱۹ است». باطل بودن این نوع ترجمه بر همه آشکار است.

وی مطالب علمی را به آیاتی نسبت می‌دهد که آیه اصلاً بر آن دلالت ندارد. لذا او در واقع گرفتار تفسیر به رأی شده است. به عنوان مثال، او می‌گوید، آسمان از رنگ‌های بسیار زیبا تشکیل شده، این رنگ‌ها از کجا آمده، این همان «صِبْغَةَ اللَّهِ» است. این گونه نسبت دادن یک مطلب به آیه بدون قرائن عقلی و نقلی بسیار مذموم و مصداق تفسیر به رأی است.

او در بحث اعجاز عددی قرآن از افرادی مانند دکتر رشاد خلیفه تأثیر پذیرفته است. لذا در بحث ریاضی در قرآن، وی نظرات رشاد خلیفه را با توضیحات بیشتر ارائه داده؛ اما در این زمینه گرفتار انحرافات زیادی شده است. وی آیاتی که احتمالات متعدد دارد او بدون قرائن عقلی و نقلی یکی از احتمالات را قطعی پنداشته است. مثلاً در رابطه با آسمان هفتگانه می‌گوید، مراد کثرت آسمان‌هاست.

۲. بی‌توجهی به همه آیات مربوط به یک موضوع

در تفسیر علمی، برای بحث در رابطه با یک موضوع لازم است همه آیات مربوط به آن موضوع جمع‌آوری شود، و مفسر نباید برای فهم یک موضوع به یک آیه اکتفا بکند. چون یک مسئله گاهی در یک آیه مبهم باشد، ولی در آیات دیگر به طور روشن و مفصل تبیین شود. لذا برای اینکه فهم مفسر ناقص و ناتمام نماند همه آیات مربوط به یک موضوع را جمع‌آوری کند (غنیم، الاشارات العلمیه فی القرآن الکریم بین الدراسة و التطبيق، ۱۹۹۵: ۲۹۰).

تک‌نگاری‌هایی که در بنگلادش در موضوعات مختلف علمی نگاشته شده است، در برخی از این کتاب‌ها این قاعده به طور کامل رعایت شده است؛ مانند کتاب علوم در قرآن تألیف دکتر محمد غلام معظم. وی در رابطه با حیوانات حرام گوشت همه آیات مربوط به این مسئله را جمع‌آوری کرده، سپس به بررسی آنها پرداخته است (محمد غلام معظم، علوم در قرآن، ۲۰۱۰: ۶۸)؛ اما در برخی دیگر تفاسیر علمی به این قاعده توجه کامل نشده است.

۳. دور شدن از هدف اصلی قرآن

مفسران علمی هنگام تفسیر قرآن باید به جایگاه قرآن توجه داشته باشند. چون قرآن مجید کتاب هدایت است، و برای هدایت انسان از طرق مختلف استفاده کرده است. این کتاب علم نیست، لذا اشارات علمی که در آن بیان شده است، آن‌هم در راستای پی‌بردن انسان‌ها به عظمت پروردگار جهانیان

است. مفسران علمی باید جایگاه قرآن را حفظ کنند؛ اما متأسفانه برخی از مفسران علمی بنگلادش هنگام تفسیر علمی چنان غرق مباحث علمی می‌شوند که گویا هدف قرآن مجید بیان نکات علمی است. چون آنها هنگام تفسیر علمی دنبال استخراج نکات علمی از آیات قرآن مجید هستند، لذا از هدف اصلی قرآن که تربیت و هدایت انسان است به‌طور ناخودآگاه دور می‌شوند.

محمد عبدالحق در کتاب «خلقت و اختراعات از دیدگاه قرآن و حدیث» باتوجه به آیه ۵ سوره سجده می‌فرماید که دانشمندان در این آیه فکر کردند و تلفن، تلگرام، فاکس و موبایل اختراع کردند. در رابطه با آیه ۱۲۵ سوره بقره می‌گوید که دانشمندان باتوجه به این آیه آسانسور درست کردند. چون در این آیه از مقام ابراهیم صحبت شده، و مقام ابراهیم نیز سنگی است که با دستور خدای متعال بالا و پایین می‌رفت. نیز وی می‌گوید، دانشمندان باتوجه به آیه الکرسی کامپیوتر را اختراع کردند (عبدالحق و همکاران، خلقت و اختراعات از دیدگاه قرآن و حدیث، ۲۰۰۵: ۳۴۰-۳۴۷).

مؤلف در این کتاب گرفتار علم‌زدگی شده است. او هرکدام از اختراعات علمی را بدون هیچ پشتوانه عقلی یا نقلی به یکی از آیات قرآن نسبت می‌دهد، گویا قرآن کتاب علم است و می‌خواهد به انسان تکنولوژی یاد بدهد (بهجت پور و قمرزاده، مجله قرآن و علم، ۹۵/۲۰). از مباحث او فهمیده می‌شود که وی نقش هدایتی قرآن مجید را کنار گذاشته است. بیشتر نظرات او بر خلاف دیدگاه‌های مفسران شیعه و اهل سنت است.

۴. تحمیل نظریات بر قرآن

یکی از شیوه‌های تفسیر علمی مفسران بنگلادشی این است که آنها خیلی سعی کردند آیات را با اکتشافات علوم جدید تطبیق بدهند. به‌عنوان مثال، محمد عبدالحق در کتاب «خلقت و اختراعات از دیدگاه قرآن و حدیث» باتوجه به واژه «ذره» در آیه ۳ و ۲۲ سوره سبا می‌فرماید که قبل از اینکه دانشمندان اتم را کشف کنند، خدای متعال در قرآن مجید از اتم خبر داده است. وی باتوجه به سوره فیل می‌فرماید، آنچه که پرندگان ابابیل بر لشکر ابرهه انداخته بود، هر کدام یک بمب اتم کوچک بود. اکنون که دانشمندان بمب اتمی، بمب هیدروژنی و بمب‌های دیگر اختراع کردند، این نتیجه پژوهش آنان درباره آیات قرآن است. وی باتوجه به آیه ۱۰ سوره صافات می‌فرماید، دانشمندان با کاوش علمی در این آیه و آیات شبیه آن توانستند تکنولوژی ساخت موشک کروز و دیگر موشک‌ها را به دست بیاورند. نیز باتوجه به آیه ۸-۹ سوره جن می‌فرماید، دانشمندان تکنولوژی رادار، رادیو و بی‌سیم را از این آیه کشف کردند (همان: ۳۰۹-۳۳۸).



قابل ذکر است که این نوع تطبیق در واقع تحمیل نظر خود بر قرآن است و یکی از مصادیق تفسیر به رأی است. چون هیچ کدام از این تطبیقات با قواعد ادبی و اصول عقلایی محاوره سازگاری ندارد. علاوه براین، قرآن یک کتاب هدایت است، نه کتاب تکنولوژی. اگر قرار بود خدای متعال توسط قرآن تکنولوژی یاد بدهد صریحاً مطالب تکنولوژی در آن بیان می‌کرد.

۵. استفاده از مطالب نامعتبر

یکی دیگر از روش‌های مفسران علمی در بنگلادش این است که مطالب علمی مربوط به موضوع آیه را بدون اینکه بر آیه تطبیق کنند با به آیه نسبت بدهند بیان کردند. تمام مفسران علمی از این روش خیلی استفاده کردند. این مطالب علمی ذیل تفسیر آیات برای کسب اطلاعات بیشتر و در مواردی برای پاسخ به پرسش‌ها و رفع ابهام‌هایی که درباره موضوع آیه مطرح می‌شود بسیار مفید است؛ اما دو اشکال مهم به آن وارد است:

یک: بسیاری از این بیانات علمی، بحث تفسیری نیستند و نمی‌توان آنها را تفسیر علمی نامید؛ چون مراد از تفسیر علمی روشن کردن معنا و مقصود خدای متعال از کلمات و جملات قرآنی بوسیله اکتشافات و یافته‌های علوم تجربی است (بابایی، بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری، ۱۳۹۱ ش: ۲/ ۱۶۹). لذا از مطالب علمی، آن مطالب را می‌توان تفسیر علمی نامید که توسط آن معنا و مفاد آیات روشن شود؛ اما اکثر مطالبی که مفسران علمی بنگلادش در ذیل تفسیر آیات آوردند چنین ویژگی را ندارند. به‌عنوان مثال، محمد عبدالحق در ذیل تفسیر آیات مربوط به زلزله (حج/۱؛ أحزاب/۱۱؛ زلزال/۱) مطالب زیادی در رابطه با علل زلزله بیان کرده (عبدالحق و همکاران، خلقت و اختراعات از دیدگاه قرآن و حدیث، ۲۰۰۵: ۲۹۸) که هیچ ربطی به توضیح معنای آن آیات ندارد، لذا این مطالب تفسیر علمی به حساب نمی‌آید.

دو: خیلی از مطالبی که مفسران علمی به‌عنوان تفسیر علمی مطرح کرده است، هیچ منبع و مستندی برای آنها بیان نکرده است، لذا صحت و سقم آنها نامعلوم است. مثلاً پیرامون علل زلزله محمد عبد الحق عوامل متعددی بیان کرده؛ اما هیچ منبع و مستندی برای آن نیاورده است، لذا نمی‌توان روی آن مطالب اعتماد کرد.

۶. استفاده از پیش‌فرض‌های نادرست

یکی از روش‌های به‌کاررفته در تفاسیر علمی بنگلادش، استفاده از پیش‌فرض‌های نادرست است. به‌عنوان مثال، مولانا اکرم خان در تفسیر آیه ۶۰ سوره بقره می‌فرماید، خدای متعال به حضرت

موسی علیه السلام دستور داد که همراه با جماعت خود به کوه پیمایی رفته چشمه‌های آب را پیدا بکند. سرانجام دوازده تا چشمه پیدا شد و هر قومی سراغ چشمه خود رفت (محمد اکرم خان، تفسیر قرآن مجید، ۱۹۷۵: ۹۴ / ۱). وی اصلاً قبول نمی‌کند که حضرت موسی علیه السلام با عصای خود بر سنگ زد و نتیجه از آن سنگ دوازده چشمه جاری شد. چون پیش‌فرض او توجیه علمی معجزات و امور خارق‌العاده است که یک پیش‌فرض نادرست است. البته وی برای نظر خود، کلمات کلیدی در آن آیه را از لحاظ لغوی مورد نقد و بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده. به عنوان مثال، وی با توجه به آیات ۲۷۳ سوره بقره، ۱۵۶ سوره آل عمران، ۱۰۱ سوره نساء و ۷۷ سوره طه می‌فرماید که یکی از معانی «ضرب» سفرکردن است و لغت‌دانان از جمله صاحب مفردات و قاموس قرآن نیز این معنا را تأیید کرده‌اند. نیز می‌فرماید، یکی از معانی «عصا» جماعت است و یکی از معانی «حجر» کوه است، لذا «اَضْرَبَ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ»؛ یعنی همراه با جماعت خود در کوه سفر کن. خلاصه انتخاب او در معانی کلمات از همان پیش‌فرض سرچشمه می‌گیرد. و این پیش‌فرض در موارد متعدد او را به انحراف کشانده است.

نتیجه

از مطالب بالا به دست می‌آید که روش تفسیر علمی قرآن در بنگلادش از اهمیت بالایی برخوردار است که مولانا اکرم خان پرچمدار این جریان است. این روش تفسیری با وجود نکات مثبت و امتیازات دارای نکات ضعف و آسیب نیز است که در صورت توجه به شرایط و ضوابط تفسیر علمی این آسیب‌ها قابل رفع است. در نوشتار حاضر، این آسیب‌ها به دو دسته تقسیم شده است که عبارتند از: آسیب‌های مبنایی و آسیب‌های روشی. مهمترین آسیب‌های مبنایی تفاسیر علمی بنگلادش که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از: توجیهات مادی برای امور خارق‌العاده، مخالفت با اصول عقلایی محاوره، استناد به فرضیات علمی، اعتقاد به وجود همه علوم در قرآن، غفلت از امور عبادی و معنوی و عدم رعایت قواعد لغت قرآن؛ اما مهمترین آسیب‌های روشی عبارتند از: بی‌توجهی به دلالت آیه، عدم جمع‌آوری همه آیات مربوط به یک موضوع، دورشدن از هدف اصلی قرآن، تحمیل نظریات بر قرآن، استفاده از مطالب نامعتبر و استفاده از پیش‌فرض‌های نادرست. برای اینکه تفسیر علمی قرآن از مسیر اصلی خود منحرف نشود و از آسیب‌ها در امان بماند لازم است تفسیر علمی توسط مفسر دارای شرایط و با رعایت ضوابط تفسیر علمی صورت بگیرد.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعة المصطفی، انتشارات بین‌المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۵ق.
۳. بابایی، علی‌اکبر، بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۱ش.
۴. بهجت پور زینب و قمرزاده محسن، بررسی دیدگاه آیت الله معرفت در مورد تفسیر علمی، مجله قرآن و علم، شماره ۲۰، صفحه ۹۵.
۵. حلبی، علی اصغر، آشنایی با علوم قرآنی، انتشارات اساطیر، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش.
۶. خرمشاد، محمدباقر و سرپرست سادات، سیدابراهیم، جریان‌شناسی سیاسی به مثابه روش، نشریه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ش ۱۸، ص ۶۴، بهار ۱۳۹۲.
۷. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون بحث تفصیلی عن نشأة التفسیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی‌تا.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن احمد، المفردات فی غریب القرآن، المكتبة المرتضویه، تهران: ۱۳۳۲ش.
۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، قم: ۱۳۷۵ش.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، اعجازها و شگفتی‌های علمی قرآن، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، قم: چاپ دوم. ۱۳۸۷ش.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن (۲)، انتشارات جامعه المصطفی العالمية، قم: ۱۳۸۷ش.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن (۴)، انتشارات جامعه المصطفی العالمية، قم: چاپ سوم. ۱۳۹۵ش.
۱۳. رفیعی محمدی، ناصر، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم: ۱۳۸۶ش.
۱۴. روزنامه استار بنگالا، خورشید پنهان مولانا اکرم خان. ۲۰۲۰/۰۸/۱۸.
۱۵. زبیدی واسطی، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت: ۱۴۱۴ق.

۱۶. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، دار المعرفه، بیروت: ۱۴۱۰ ق.
۱۷. سعیدی، دلاورحسین، آسمان و علوم از دیدگاه قرآن، انتشارات شبکه گلوبال، ۲۰۰۴.
۱۸. سعیدی روشن، محمدباقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی / موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، تهران: ۱۳۸۳ ش.
۱۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، قرآن در اسلام، مصحح رضا ستوده، دار الکتب الاسلامیه، تهران: چاپ دوم، ۱۳۹۴ ق.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: ۱۴۱۷ ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران: چاپ سوم. ۱۳۷۵ ش.
۲۴. عبدالحمید، محسن، دراسات فی اصول تفسیر القرآن، دار الثقافه، بغداد، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. عطاء الرحمن خان، «خاطرات»، الکوثر، شماره ۳. ۲۰۰۹.
۲۶. العک، خالد عبد الرحمن، اصول التفسیر وقواعده، دار النفائس، بیروت، لبنان. بی تا.
۲۷. علوی مهر، حسین، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم: ۱۳۸۴ ش.
۲۸. غنیم، کارم السید، الاشارات العلمیه فی القرآن الکریم بین الدراسه و التطبيق، دار الفکر العربی، القاهره: ۱۹۹۵.
۲۹. فتحی، علی، جریان شناسی تفسیر سلفی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۷ ش.
۳۰. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ سوم: ۱۴۲۰ ق.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، انتشارات هجرت، قم: چاپ دوم: ۱۴۱۰ ق.
۳۲. قاضی جهان میا، تحدی قرآن درباره آسمان، انتشارات مدینه، داکا، بنگلادش: چاپ دهم: ۲۰۰۳.
۳۳. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیه، تهران: چاپ ششم. ۱۳۷۱ ش.
۳۴. القرضاوی، یوسف، کیف نتعامل مع القرآن العظیم، دار الشروق، قاهره: چاپ سوم. ۱۴۲۱ ق.



۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامية، تهران: ۱۳۶۵ ق.
۳۶. محمد ابوطالب، علوم از قرآن، انتشارات رکس، داکا: ۲۰۱۱.
۳۷. محمد اکرم خان، تفسیر قرآن مجید، انتشارات ژینوک، داکا: چاپ دوم، ۱۹۷۵ م.
۳۸. محمد عبدالحق و همکار، خلقت و اختراعات از دیدگاه قرآن و حدیث، انتشارات مدرن، داکا: ۲۰۰۵.
۳۹. محمد عثمان غنی، قرآن کلام الله و علوم معاصر، سازمان تبلیغات، عربستان: ۲۰۰۸.
۴۰. محمد غلام معظم، علوم در قرآن، انتشارات پخش علم، داکا: ۲۰۱۰.
۴۱. محمد یوسف علی، زندگی انسان از دیدگاه قرآن، انتشارات خاطره، داکا: ۲۰۰۴.
۴۲. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، مؤسسه فرهنگی التمهید، قم: ۱۳۷۹ ش.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۴۴. میرزا طاهر احمد، تفسیر قرآن، احمدیه مسلم جماعت، بنگلادش، چاپ دوم، ۱۹۹۲.
۴۵. نفیسی، شادی، جریان‌شناسی تفسیر علمی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۷ ش.
۴۶. نقی‌پورفر، ولی‌الله، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، انتشارات اسوه، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ش.

References

١. Quran Karim (Translation of the Holy Quran): Translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors at Al-Mustafa International University, Al-Mustafa International University Publications, Qom: ٢nd Edition, ١٣٨٨ SH (٢٠٠٩ CE).
٢. 'Ata al-Rahman Khan, "Khaterar (Memoirs)", Al-Kawthar, Issue ٣. ٢٠٠٩.
٣. Abd al-Hamid, Mohsen, Dirasat fi Usul Tafsir al-Quran (Studies in the Principles of Quranic Interpretation), Dar al-Thaqafah, Baghdad: ٢nd Edition, ١٤٠٤ AH (١٩٨٤ CE).
٤. Behjatpour Zainab and Qamarzadeh Mohsen, review of Ayatollah Marafet's view on scientific interpretation, Quran and Science Journal, Volume ١١, Number ٢٠, September ٢٠١٧.
٥. Al-ak, Khalid Abdul Rahman, Usul al-Tafsir wa Qawa'iduhu (Principles of Interpretation and Its Rules), Dar al-Nafa'is, Beirut, Lebanon. n.d.
٦. Alavi Mehr, Hussein, Ashna'i ba Tarikh-e Tafsir va Mofassiran (Introduction to the History of Interpretation and Exegetes), Thre World Center for Islamic Sciences, Qom: ١٣٨٤ SH (٢٠٠٥ CE).
٧. Aloosi, Sayyid Mahmoud, Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim (The Soul of Meanings in the Interpretation of the Great Quran), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ١٤١٥ AH (١٩٩٥ CE).
٨. Al-Qaradawi, Yusuf, Kayfa Nata'amal ma'a al-Quran al-Azim (How Do We Interact with the Mighty Quran), Dar al-Shorouk, Cairo: ٣rd Edition, ١٤٢١ AH (٢٠٠٠ CE).
٩. Babayi, Ali Akbar, Barrasi-e Makateb va Ravash-haye Tafsiri (An Examination of Schools and Methods of Quranic Interpretation), The Research Institute of Seminary and University, Qom: ١٣٩١ SH (٢٠١٢ CE).
١٠. Fakhr al-Din Razi, Abu Abdullah Mohammad bin Umar, Mafatih al-Ghayb (Keys to the Unseen), Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, Beirut: ٣rd Edition, ١٤٢٠ AH (١٩٩٩ CE).
١١. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Kitab al-Ayn (The Book of Lexicon), Hijrat Publications, Qom: ٢nd Edition, ١٤١٠ AH (١٩٩٠ CE).
١٢. Fathi, Ali, Jarayan Shinasi-ye Tafsir-e Salafi (Salafi Exegesis Trends), The Research Institute of Seminary and University, Qom: ١٣٩٧ SH (٢٠١٨ CE).
١٣. Ghanim, Karam al-Sayyid, Al-Isharat al-Ilmiyyah fi al-Quran al-Karim bayn al-Dirasah wa al-Tatbiq (Scientific Indications in the Noble Quran: Between Study and Application), Dar al-Fikr al-Arabi, Cairo: ١٩٩٥.
١٤. Halabi, Ali Asghar, Ashna'i ba Ulum-e Quran (An Introduction to Quranic Sciences), Asatir Publications, Tehran: ٤th Edition, ١٣٧٤ SH (١٩٩٥ CE).
١٥. Khormeshad, Mohammad Baqer, Sarparast Sadat, Sayyed Ibrahim, "Jaryan Shenasi Siyasi be Mathabe Ravish (Political Movement Analysis as a Method)", Interdisciplinary Studies in Humanities Journal, Issue ١٨, p. ٦٤, Spring ١٣٩٢ SH (٢٠١٣ CE).
١٦. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, Al-Kafi, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ١٣٦٥ SH (١٩٨٦ CE).
١٧. Ma'arifat Mohammad Hadi, Tafsir va Mofassiran (Tafsir and Exegetes), Al-Tamhid Cultural Institute, Qom: ١٣٧٩ SH (٢٠٠٠ CE).
١٨. Mirza Tahir Ahmed, Tafsir Quran (Interpretation of the Quran), Ahmadiyya Muslim Jama'at, Bangladesh, ٢nd Edition, ١٩٩٢.
١٩. Mohammad Abdul Haq et al., Khalqat va Ekhtraiat az Didgah-e Quran va Hadith (Creation and Inventions from the Perspective of the Quran and Hadith), Modern Publications, Dhaka: ٢٠٠٥.
٢٠. Mohammad Abutaleb, Elm az Quran (Sciences from the Quran), REX Publications, Dhaka: ٢٠١١.



۲۱. Mohammad Akram Khan, Tafsir Quran Majid (Interpretation of the Noble Quran), Genok Publications, Dhaka: ۲nd Edition, ۱۹۷۵.
۲۲. Mohammad Ghulam Mo'azem, Ulum dar Quran (Sciences in the Quran), Pakhsh-e Elm Publications, Dhaka: ۲۰۱۰.
۲۳. Mohammad Usman Gani, Quran Kalam Allah va Ulum Ma'asher (The Quran: The Word of Allah and Contemporary Sciences), Tablighat Organization, Saudi Arabia: ۲۰۰۸.
۲۴. Mohammad Yusuf Ali, Zendege-ye Ensan az Didgah-e Quran (Human Life from the Perspective of the Quran), Khaterat Publications, Dhaka: ۲۰۰۴.
۲۵. Nafisi, Shadi, Jarayan-Shenasi-ye Tafsir Ilmi (Scientific Trend Analysis in Interpretation), The Research Institute of Seminary and University, Qom: ۱۳۹۷ SH (۲۰۱۸ CE).
۲۶. Naghipourfar Valiollah, Pejouheshi Piramun-e Tadabbor dar Quran (A Study on Reflection in the Quran), Uswa Publications, Tehran: ۴th Edition, ۱۳۸۱ SH (۲۰۰۲ CE).
۲۷. Naser Makarem Shirazi, Tafsir-e Namune (Exemplary Interpretation), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۳۷۴ SH (۱۹۹۵ CE).
۲۸. Qarashi, Sayyed Ali Akbar, Qamus-e Quran (Quranic Lexicon), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۶th Edition, ۱۳۷۱ SH (۱۹۹۲ CE).
۲۹. Qazi Jahan Mia, Tahaddi Quran Darbareh Asman (Quranic Challenge Regarding the Sky), Madina Publications, Dhaka, Bangladesh: ۱st Edition, ۲۰۰۳.
۳۰. Rafi'i-Mohammadi, Naser, Sair-e Tadvin va Tavvur-e Tafsir Ilmi Quran (The Evolution and Development of Scientific Interpretation of the Quran), The World Center for Islamic Sciences, Qom: ۱۳۸۶ SH (۲۰۰۷ CE).
۳۱. Raghieb Isfahani, Hussein bin Ahmad, Al-Mufradat fi Gharib al-Quran (The Vocabulary of the Unfamiliar Words of the Quran), Al-Maktabah al-Murtazawiyyah, Tehran: ۱۳۳۲ SH (۱۹۵۳ CE).
۳۲. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Dar Amadi bar Tafsir Ilmi Quran (Introduction to Scientific Interpretation of the Quran), Uswa Publications, Qom: ۱۳۷۵ SH (۱۹۹۶ CE).
۳۳. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, I'jazha va Shaghafti-haye Elm-i Quran (Miracles and Astonishments of Quranic Science), Pajuhesh-haye Tafsir va Elm-e Quran (Research in Interpretation and Quranic Sciences), Qom: ۲nd Edition, ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۳۴. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Mantiq-e Tafsir Quran (2) (The Logic of Quranic Interpretation: Volume 2), Al-Mustafa International University, Qom: ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۳۵. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Mantiq-e Tafsir Quran (4) (The Logic of Quranic Interpretation: Volume 4), Al-Mustafa International University, Qom: ۳rd Edition, ۱۳۹۵ SH (۲۰۱۶ CE).
۳۶. Roznameh-e Star-e Bangladesh, Khorshid-e Penhan-e Maulana Akram Khan. 18/08/2020 (Bangladesh Star Newspaper, The Hidden Sun Maulana Akram Khan. August ۱۸, ۲۰۲۰).
۳۷. Saeedi, Delavar Hossein, Aseman va Ulum az Didgah-e Quran (The Sky and Sciences from the Perspective of the Quran), Golubal Network Publications, ۲۰۰۴.
۳۸. Saeedi-Roshan, Mohammad Baqer, Tahlil-e Zaban-e Quran va Ravanshenasi-e Fehm-e An (Analysis of Quranic Language and Methodology of Understanding It), Research Center for Islamic Culture and Thought/Research Foundation of Seminary and University, Tehran: ۱۳۸۳ SH (۲۰۰۴ CE).
۳۹. Suyuti, Jalal al-Din, Al-Dur al-Mansur fi Tafsir al-Mathur (The Scattered Pearl in the Exegesis of the Consensus), Library of Ayatollah Mara'hi Najafi, Qom: ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۳ CE).
۴۰. Tabarsi, Fazl bin Hassan, Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Compilation of Clear Statements in the Interpretation of the Quran), Nasser Khosrow Publications, Tehran: ۳rd Edition, ۱۳۷۲ SH (۱۹۹۳ CE).

۴۱. Tabatabai, Mohammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Scale in the Interpretation of the Quran), Islamic Publication Office of the Qom Seminary Teachers Association, Qom: ۱۴۱۷ AH (۱۹۹۶ CE).
۴۲. Tabatabai, Mohammad Hossein, Quran dar Eslam (The Quran in Islam), Edited by Reza Studi, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۲nd Edition, ۱۳۹۴ SH (۲۰۱۵ CE).
۴۳. Tureihi, Fakhr al-Din, Majma al-Bahrain (The Confluence of the Two Seas), Ketabforoushi-ye Murtazavi, Tehran: ۳rd Edition, ۱۳۷۵ SH (۱۹۹۶ CE).
۴۴. Zabidi-Wasiti, Sayyid Mohammad Murtada Hussein, Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus (The Bride's Crown from the Jewels of the Dictionary), Dar al-Fikr li al-Tiba'ah wa al-Nashr wa al-Tawzi', Beirut: ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۳ CE).
۴۵. Zahabi, Mohammad Hussein, Al-Tafsir wa al-Mufasssirun (Interpretation and Exegetes: A Detailed Discussion on the Origins of Tafsir), Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, Beirut: n.d.
۴۶. Zarkeshi, Badr al-Din, Al-Burhan fi Uloom al-Quran (A Demonstration in the Sciences of the Quran), Dar al-Ma'aref, Beirut: ۱۴۱۰ AH (۱۹۹۰ CE).